

بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر شکاف نسلی

(مورد پژوهش: خانواده‌های شهرستان گرمسار)*^۱

دکتر سروش فتاحی^۲

دکتر نیر پیراهری^۳

اعظم شیرین بیان^۴

چکیده:

در سرتاسر تاریخ بشر، روابط میان نسل‌ها همواره مورد توجه بوده‌است. هدف پژوهش شناخت میزان و نوع استفاده خانواده‌ها از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر شکاف بین نسل‌ها (والدین و فرزندان) می‌باشد. روش پژوهش اسنادی و پیمایش است و از ابزارهای پرسش-نامه محقق ساخته و فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده‌است. با توجه به گستردگی جامعه آماری، حجم نمونه‌ای به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای - تصادفی از فرزندان (۲۱۵ نفر) و والدین (۲۱۵ نفر) انتخاب شده‌است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از آماره‌های توصیفی و استنباطی متناسب با نوع متغیرها و فرضیه‌ها بهره‌جسته‌ایم. چارچوب نظری پژوهش، دیدگاه شکاف نسلی «بنگستون»، دیدگاه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) «رایزمن» «تافلر»، «کاستلز» را شامل می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است تفاوت معنی‌داری بین والدین و فرزندان در میزان شناخت، علاقه و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد به طوری که فرزندان به صورت حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند و والدین نیز به صورت مبتدی از آن استفاده می‌کنند. در سطح اطمینان ۰/۹۹ بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین دو متغیر، رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در کنار سایر متغیرها باعث به وجود آمدن شکاف نسلی شده‌است. همچنین بین فاصله سنی و اختلاف تحصیلی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار مشاهده شد.

کلید واژه‌ها: شکاف بین نسلی، فن‌آوری اطلاعات، ارتباطات (ICT)، خانه‌ده، فاصله سنی، اختلاف تحصیلی.

* تاریخ وصول: ۹۰/۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۰

۱- مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار در سال ۱۳۹۰ انجام گردیده، تدوین و ارائه شده‌است.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران sfathi@iau-garmsar.ac.ir

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران. n_Pirahari@yahoo.com

۴- دانش‌آموخته‌ی دوره کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۱- مقدمه

دنیای امروز دنیای تغییرات سریع و عمده است. تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و علمی طی قرن گذشته، علاوه بر آثار پیامدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در بر داشته تغییراتی نیز در خانواده‌ها، به‌ویژه روابط بین والدین و فرزندان به وجود آورده‌است که گاهی منجر به فاصله‌گرفتن و ارتباطات ضعیف بین آنان شده است. روابط بین والدین و فرزندان پیوسته در حال تغییر است، این تغییر و دگرگونی در سنین نوجوانی و جوانی با سرعت بیشتری انجام می‌گیرد و باعث ایجاد فاصله بین والدین و فرزندان می‌شود. در این دوران فرزندان خواستار تغییر روابط والدین با خود هستند و والدین نیز بر شرایط خاص تربیتی خود خواستار تغییر الگوهای رفتاری فرزندان هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳، ۹).

تفاوت نسل‌ها که امری کاملاً طبیعی است و نماد تفاوت برداشتی است که آحاد هر نسل از دوره و زمانه خود دارند، در ایران به شکلی بارز در تفاوت نسل دهه ۵۰ و نسل دهه ۸۰ خود را نمایان کرده‌است. بیش از نیمی از جمعیت کشور پس از انقلاب ۵۷ به دنیا آمده‌اند و گفتمان و سبک زندگی نسل جدید بسیار متفاوت از نسل انقلاب است. آرمان‌ها، علائق و مطالبات این دو نسل به طرز عجیبی متفاوت از یکدیگرند. درباره‌ی شکاف نسلی و بیگانگی نسل جوان بحث‌های زیادی شده‌است و گاه بحث بحران هویت نسل جدید مطرح می‌شود. بدون شک هویت نسل جدید با نسل دهه پنجاه متفاوت است و به عبارت دقیق‌تر نسل جدید دارای هویت واحد نیست. این نسل به سبک‌های مختلف زندگی خوشامد می‌گردد (توکلی، ۱۳۷۸، ۲۰).

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای از طریق انتقال از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد. بنابراین تداوم هر جامعه‌ای در گرو جریان انتقال فرهنگی در آن جامعه است. جریان این انتقال همیشه و در تمام جوامع یکسان نیست. انتقال ارزش‌ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر بدون تغییر و کامل صورت نمی‌گیرد. بدیهی است که هر نسلی کاملاً از ارزش‌ها و هنجارهای نسل گذشته خود پیروی نمی‌کند. به همین دلیل باید پذیرفت که تداوم فرهنگی به معنای تغییرناپذیری و انتقال بدون تغییر نیست. حتی در جوامع سنتی، نسل جدید ارزش‌ها و هنجارهای نسل گذشته را به طور کامل نمی‌پذیرد و برخی از آنها را مردود می‌شمارد و در بعضی دیگر نوآوری‌هایی ایجاد می‌کند (جعفرزاده پور، ۱۳۸۸، ۲۳). از آنجا که ارزش‌ها وسیله همبستگی اجتماعی هستند، انتقال ارزش‌ها باعث پیوستگی فرهنگی می‌شود. تداوم فرهنگی نیز به‌عنوان نقطه مقابل گسست فرهنگی در گرو انتقال فرهنگی نهفته است و انتقال سوگیری‌های ارزشی، موضوعی کانونی در ابقاء یا تغییر ارزش هستند. با این حال فرآیندهای انتقال فرهنگی نمی‌تواند به صورت پایدار در نسل‌ها متوالی حادث شود، بلکه انتقال فرهنگی در جایی بین انتقال کامل - بدون هرگونه تفاوت بین والدین و فرزندان - و انتقال کاملاً ناقص - بدون هیچ‌گونه تشابه بین والدین و فرزندان - قرار دارد. پیامد هر کدام از این دو می‌تواند برای جامعه بخرنج باشد. انتقال کامل اجازه نوآوری و تغییر را نمی‌

دهد. بنابراین توانایی واکنش به موقعیت‌های جدید را ندارد. در حالی که شکست در انتقال نیز امکان اجازه کنش هماهنگ بین نسل‌ها را نمی‌دهد (یوسفی، ۱۳۸۳).

رسانه‌ها در دوران کنونی بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. مردم در طول شبانه‌روز از محتواهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شوند و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند. به عبارتی در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه-پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه-پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند، این که به چه چیزی فکر کنیم را به ما می‌آموزند. توجه به نقش بارز آنها در جامعه و اطلاع‌رسانی پیرامون موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... سعی می‌کنند الگوهای نوینی را به جوامع وارد کنند تا جایگزین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و الگوهای سنتی شوند. در این رهگذر رسانه‌های جمعی به‌عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها مطرح هستند، به طوری که سنت‌ها را به مبارزه می‌طلبند و به صورت یک عامل مؤثر در دگرگونی نگرش‌ها و رفتارهای نسل جدید عمل می‌کنند. همین امر می‌تواند منجر به شکاف نسلی و عدم انتقال تجربیات نسل گذشته به نسل فعلی شود. نسل فعلی، هر آنچه را که از رسانه می‌خواند، می‌شنود و می‌بیند ملاک نگرش، عمل و رفتار خود قرار می‌دهد. در دوران کنونی نقش نهادهای اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان در اجتماعی کردن نسل‌ها تضعیف و در مقابل، روزبه روز بر اهمیت و نقش رسانه‌ها افزوده می‌شود.

۲- بیان مسأله

در دنیای پرشتاب فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات امروز، رسانه‌های جمعی (ماهواره، تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه، رادیو، کتاب، مجله، روزنامه و کامپیوتر) افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده، آنها را از تعامل با دیگران باز می‌دارند. البته این موضوع نافی منافع ابزارهای تکنولوژیکی نیست اما بهره‌برداری نادرست ممکن است زیان‌های زیادی به همراه داشته باشد از جمله استفاده از ابزارهای فنی موجب شده- است که کارکرد آنها عمدتاً در جهت تقویت فردگرایی سوق پیدا کند. گسترش تکنیکی رسانه‌های شنیداری و رایانه‌ای، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی. به عبارت دیگر، این ابزارها، به تدریج فضای روانی و محیطی گفت و گو را در یک ارتباط بین فردی، خدشه‌دار می‌کند و اعضای گروه را به جای هم‌گرایی به واگرایی سوق می‌دهد تا جایی که هر عضو خانواده صرفاً در یک فضای فیزیکی مشترک زندگی کرده، اما هیچ تعاملی با هم نخواهند داشت. در این مسیر، تعامل واقعی فرد

به جای آنکه با افراد دیگری در محیط انسانی سامان بیاید با رسانه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد و به دلیل برتری تکنولوژیکی و تجهیزات خیره‌کننده رسانه‌ای، نوعی رعب فرهنگی و انفعال شخصیتی در فرد ایجاد می‌شود. نتیجه این می‌شود که افراد خانواده به جای گفت‌وگوی صمیمی با یکدیگر که می‌تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند؛ ارتباطی که فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است. آسیب ارتباطی ناشی از حضور رسانه‌ها، ارتباط بین فرزندان و والدین است. ارتباط میان فرزندان و والدین با حضور رسانه‌ها کاهش می‌یابد، پیوند عاطفی و هیجان و همچنین همگونی شناختی میان اعضای خانواده نیز کاهش می‌یابد که این موضوع، انسجام گروه را به مخاطره می‌اندازد. مطالعات نشان می‌دهد که جوانان و نوجوانان بیشترین درصد مشاهده‌کنندگان تلویزیون را تشکیل می‌دهند (دیباچی و همکاران، ۱۳۸۳، ۶).

مفهوم شکاف نسلی^۱ به چگونگی تداوم فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و باز تولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی دو نسل بالا می‌رود. اختلاف فاحشی بین دو نسل به وجود نمی‌آید، در این صورت تفاهم بین دو نسل جدید و قدیم برقرار می‌شود و بحران هویتی نیز برای نسل جدید روی نمی‌دهد. در مقابل اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به طور ناقص انجام گیرد و فرهنگی جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم شکاف می‌افتد (پناهی، ۱۳۸۳، ۲). عوامل اجتماعی متعددی بر دورشدن نسل‌ها از یکدیگر و بروز شکاف نسلی تأثیرگذار هستند. در این میان وسایل ارتباط جمعی نقش بارزی دارند. دانیل لرنر^۲ به نقش رسانه‌ها در تغییر ارزش‌های سنتی در جوامع و جایگزین شدن ارزش‌های مدرن اشاره کرده‌است. وی معتقد است که رسانه می‌تواند به فروپاشی سنت‌گرایی - که معضلی برای نوسازی محسوب می‌شود - کمک کند. این کار با بالارفتن انتظارات و توقعات، باز شدن افق‌ها، تواناشدن مردم به تخیل ورزیدن و خواهان جایگزینی شرایط زندگی بهتر برای خود و خانواده عملی می‌شود (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ۱۴۴).

چلبی، از آثار دوگانه و متناقض گسترش ارتباطات جمعی بر وحدت نمادی جامعه سخن می‌راند. از یک سو، گسترش کتب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، ویدئو، شبکه‌های اطلاع‌رسانی و غیره می‌توانند باعث تحکیم وحدت نمادی شوند و از سوی دیگر، همین رسانه‌ها به همراه ماهواره‌هایی که پخش برنامه‌های تلویزیونی کشورهای مختلف را بر عهده دارند، می‌توانند اسباب تضعیف وحدت نمادی جامعه را فراهم کنند. با گسترش ارتباطات از راه دور و از بین رفتن فواصل زمانی و مکانی، غلظت نمادی و

1. Generation gap

2. Lerner

اطلاعاتی محیط‌های کنونی به طور غیرقابل وصفی افزایش یافته است. به طوری که این غلظت به هیچ وجه قابل مقایسه با غلظت نمادی محیط‌های نیم‌قرن گذشته جوامع نیست. به عبارت ساده‌تر، شهروندان جوامع معاصر به‌ویژه جوامع پیرامون، نه تنها در معرض مستقیم سمبولیسم شناختی و سمبولیسم اظهاری بیگانه قرار گرفته‌اند، بلکه در معرض بمباران نمادی آنها نیز هستند (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۳۹). مارتین سگالین تأکید می‌کند، که امروزه در کنار تفکیک جغرافیایی حوزه‌های کار و سکونت، ناپدید شدن پدیده‌ی همسایگی، وجود مادران شاغل و متخصصان مسؤول مراقبت از اطفال و تأثیر تلویزیون از جمله عواملی هستند که به ایجاد شکاف بین دنیای کودکان و بزرگسالان کمک می‌کنند (سگالین، ۱۳۷۳، ۸۳). رونالد اینگهارت، معتقد است که تغییر ارزشی، روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به طور مداوم از سالی به سال دیگر (یوسفی، ۱۳۸۳، ۴۲). وی معتقد است که اشاعه‌ی رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها شده‌است؛ به طوری که در عصر کنونی، جهانی‌شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر گذاشته‌است. لباس‌های متحدالشکل جوانان، موسیقی پاپ و... از نمودهای تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و ارزش‌های نسلی کنونی و عدم پای‌بندی به سنت‌های فرهنگی خود است (یوسفی، ۱۳۸۳، ۱۱۴). تأثیر رسانه‌ها در الگوی روابط بین نسلی مهم است. بی‌شک رسانه‌های دیداری و شنیداری به‌عنوان یکی از عوامل قدرتمند در جامعه‌پذیری نسل جوان امروزی نقش مؤثری ایفاء می‌کنند. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده که پاسخگوی سؤالات زیر باشیم آیا میزان و نوع استفاده، آشنایی و علاقه به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در بین خانواده‌های شهر گرمسار بر شکاف نسلی تأثیر می‌گذارد؟ و در صورت تأثیرگذاری شدت این تأثیر چه قدر است؟

۳- اهداف پژوهش

شناخت میزان آشنایی و علاقه و مدت‌زمان استفاده از (ICT) در بین خانواده‌ها (والدین و فرزندان) شناخت و تأثیر (ICT) بر شکاف نسلی.

۴- پیشینه پژوهش

در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در زیر به مواردی از پژوهش‌های خارجی و داخلی اشاره می‌شود.

- در پژوهشی با عنوان «تأثیر به کارگیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نگرش اخلاقی بین نسلی»، یافته‌های این پژوهش نشان داد که شاخص‌های موردنظر در فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نگرش اخلاقی بین نسلی پدران و پسران مؤثرند (بلاش، ۱۳۸۷).

- پژوهش‌های سازمان ملی جوانان نشان می‌دهد تعداد کاربران اینترنت در ایران با رشدی حدود ۹۰ درصد از ۷/۱ میلیون نفر ضریب نفوذ ۵/۲ درصد در سال ۸۰، به ۲/۳ میلیون نفر با ضریب نفوذ ۹/۴ درصد در پایان سال ۸۱ افزایش یافته‌است و پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش نفوذ اینترنت در ایران تعداد کاربران اینترنت در مدارس و دانشگاه‌ها به مرز ۱۵ میلیون نفر می‌رسد. این افزایش تعداد کاربران اینترنت در ایران در حالی صورت می‌گیرد که بیشتر استفاده‌کنندگان را قشر جوانان تشکیل می‌دهند. همچنین بر اساس این آمار میانگین دقت صرف‌شده برای استفاده از اینترنت ۵۲ دقیقه در هفته است که این رقم برای سنین ۲۱ تا ۲۴ سال در کشور به ۵۷ دقیقه می‌رسد (نوابخش و دیگران، ۱۶۲).

- در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، نتایج این پژوهش بر وجود یک رابطه آماری معکوس در بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حکایت دارد. متغیرهای مستقل شامل دسترسی دانشجویان به اینترنت، استفاده بیشتر دانشجویان از اینترنت، میزان وابستگی آنها به اینترنت، محیط تعاملی اینترنت، فضای صمیمیت، روابط احساسی، وارد شدن دانشجویان در بحث و مناظره گروهی، پذیرفته شدن آنها در محیط تعاملی اینترنتی، احساس رضایتشان از گمنام‌بودن در اینترنت، میزان اطلاع خانواده در مورد استفاده‌ی فرزندان از محیط‌های اینترنتی و متغیر وابسته ارزش‌های خانواده است (کفاشی، ۱۳۸۷).

- در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شکاف دیجیتالی نسلی بین نسل‌ها از نظر آشنایی، علاقه و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات» از نظر آشنایی، علاقه و استفاده از فن‌آوری‌هایی مانند اینترنت، پست الکترونیکی، گفتگوی الکترونیکی، تلفن همراه، بازی‌های رایانه‌ای و غیره مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین شکاف میان فرزندان و والدین از نظر آشنایی با فن‌آوری اطلاعات، از نظر علاقه به فن‌آوری اطلاعات، از نظر استفاده از فن‌آوری اطلاعات تفاوت معنی‌داری وجود دارد (حریری و همکاران، ۱۳۹۰).

- در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل (مطالعه موردی کلیه دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران و والدین آنها)، هدف رساله بررسی رابطه میزان استفاده از اینترنت بر روی شکاف ارزش‌های دو نسل در میان دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران و والدین آنها بود. مهم‌ترین نتایج این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی به‌ترتیب زیر است:

- میزان دسترسی و استفاده دانشجویان از رسانه‌های جدید نظیر اینترنت بیش از سایر رسانه‌ها است. در حالی که اکثریت نسل اول «والدین» دسترسی بسیار کمی به این رسانه‌ها داشته‌اند. این امر توانایی نسل دوم «دانشجویان» را در استفاده از این رسانه و جذابیت منحصر به فرد این رسانه در مقابل رسانه‌های دیگر را نشان می‌دهد. اما دسترسی والدین به رسانه‌های سنتی نظیر تلویزیون بیشتر است و میزان استفاده از این رسانه از سوی اکثریت والدین پاسخگو، بالای یک ساعت در شبانه‌روز برآورد گردیده‌است، این امر نشان

می‌دهد که نسل اول تمایل به استفاده از رسانه‌های سنتی‌تر با کاربری آسان‌تر دارند. نتایج نشان داد که میزان استفاده از اینترنت بر روی ارزش‌های دو نسل مؤثر است به عبارت دیگر اینترنت توانسته است مشکلات ارزشی را به وجود آورد و از آنجا که شکاف ارزشی نشان‌دهنده‌ی یکی از مؤلفه‌های شکاف معنایی است، می‌توان گفت که بین میزان استفاده از اینترنت و شکاف ارزشی رابطه وجود دارد ولی این رابطه خطی نیست یعنی اینترنت نمی‌تواند عامل مؤثر بر شکاف ارزش‌های دو نسل باشد بلکه مؤلفه‌ها و فاکتورهای متعددی بر روی نگرش‌ها و رفتارهای آدمی مؤثر هستند که کنترل تمامی آنها غیرممکن است. با توجه به این که بیشترین میزان استفاده نسل دوم (دانشجویان) از رسانه اینترنت است، می‌توان گفت که بین میزان استفاده از اینترنت و شکاف ارزش‌ها و به تبع آن شکاف نسلی رابطه مستحکم وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های به دست آمده، می‌توان اظهار کرد، به دلیل وجود آیین‌های مستحکم در خانواده از قبیل احترام به بزرگان و رعایت حقوق پدر و مادر، کشمکش بین نسلی ایجاد شده است و در واقع هنوز تعارض بین نسلی در حد خانواده‌ها در بین دو نسل وجود دارد (بوربور حسین بیگی، ۱۳۸۳).

- در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی (ICTs) در تغییر رفتار اجتماعی و فرهنگی جوانان، نتایج این پژوهش نشان داد که هرچه مدت زمان و تعداد دفعات استفاده‌ی روزانه از اینترنت بیشتر شود، میزان افسردگی، اشتغال ذهنی، انزوا، پرخاشگری، ناراحتی هیجانی، وابستگی فکری به اینترنت، بی‌توجهی به خانواده، کار، تحصیل و دوستان، کاهش فعالیت‌های اجتماعی و اعتیاد به اینترنت و جایگزین شدن روابط اینترنتی به جای روابط واقعی افزایش می‌یابد. در حالی که بین جنسیت و پیامدهای رفتار اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۶).

- در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فضاهای مجازی بر کنش‌های اجتماعی جوانان دانشجوی دختر با تأکید بر اینترنت» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین حوزه عمومی اینترنت و اشکال کنش اجتماعی از قبیل خدمات اجتماعی - فرهنگی، وکالت و ساماندهی، تغییر و دگرگونی، تعلیم و تربیت اجتماعی، آگاهی از ارزش‌های مذهبی رابطه معنادار و همبستگی ضعیفی وجود دارد. از این رو استنباط می‌شود که باید کنش‌های واقعی را در نهادهای واقعی که افراد رفتار خود را درون آن بنا می‌کنند جستجو کرد و این احتمال وجود دارد که اینترنت در ارتباط با مبادلات و تعاملات جمعی آفلاین مورد استفاده قرار گیرد ولی الزاماً این گونه کنش‌های اجتماعی کافی نیست به طوری که افرادی که با گروه‌های آنلاین ارتباط دارند ممکن است به سازمان‌ها و کلپ‌های محلی بپیوندند ولی تمایلی به پذیرش نقش‌های عملی برای انجام کنشی نداشته باشند از این رو حضور اجتماعی باید در محیط‌های سنتی همچون مساجد و سفره‌خانه‌ها و نمونه مدرن آن در کتابخانه و .. اتفاق بیفتد (ساروخانی و همکاران، ۱۳۸۷).

- در پژوهشی با عنوان عوامل تعیین‌کننده شکاف نسلی بین والدین و فرزندان (در شهرستان مولتان پاکستان)، از تحلیل داده‌ها به دست آمد که علل اصلی شکاف نسلی بین والدین و فرزندان شامل تفکر

محافظه‌کارانه، سیستم ارزش‌گذاری سنتی، کامپیوتر و رسانه، نگرش، جداسازی و طلاق، ازدواج مجدد و اجتماعی شدن می‌باشند (ایشاق فاین، ۲۰۱۰).

۵- مبانی نظری پژوهش

۱-۵- بنگستون^۱

نظریه‌پردازانی همچون بنگستون، به طور خاص به شکاف نسل‌ها، به‌عنوان یکی از شکاف‌های جاری و ساری در جوامع مدرن می‌پردازند. وی در بحث شکاف نسل‌ها، سه دیدگاه را از هم تمییز می‌دهد: اول، کسانی که معتقد به «شکاف عمیق» هستند؛ دوم کسانی که شکاف نسلی را یک توهم و خیال می‌دانند که توسط وسایل ارتباط جمعی تحمیل شده است و سوم افرادی که به پیوستگی و تفاضل‌گزینی بین نسل‌ها معتقدند؛ به این معنا که سعی دارند با تفکیک موضوعات مختلف از هم، در مورد هر بخش جداگانه داوری کرده و میزان گسست یا پیوستگی را بررسی کنند.

در دیدگاه نخست، عقیده بر آن است که شکاف بین جوانان و بزرگسالان نسبتاً شایع و گسترده است. طرفداران این عقیده فرهنگ جوانان را از نقطه‌نظر پذیرش ارزش‌های غالب و مسلط، مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌دانند. به‌عنوان مثال، مارگارت مید معتقد است، الگوی فرهنگی جدید ظاهر شده که در آن، الگو و مدل جوانان، افراد معاصر هستند. در این دیدگاه، این مفروض تجربه‌ناشده نهفته است که تضاد بین نسل‌ها ناشی از قبول ارزش‌های مختلف است که در نهایت، به تضاد رفتاری منجر می‌شود. در دیدگاه دوم، متفکرانی همچون ریس، لویل، لیپست و آدلن بر این موضوع تأکید دارند که ارزش‌های جوانان اختلاف‌شدیدی با ارزش‌های بزرگسالان ندارد، در حالی که ممکن است از لحاظ اجتماعی جدا باشند، ولی شکاف بین آنان اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌های مختلف ندارد، بلکه جدایی بیشتر در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی، توصیه‌های هنجاری برای محقق‌کردن ارزش‌های موردقبول یکسان و مشابه است، نه مربوط به قبول ارزش‌های مختلف. طرفداران دیدگاه تفاضل‌گزینی و پیوستگی، معتقدند که تفاضل اندکی بین نسل‌ها در مورد ارزش‌ها وجود دارد. در عین حال که طرفداران این دیدگاه با فرضیه دیدگاه موافق هستند و معتقدند که ارزش‌های موردقبول یکسان و مشابه می‌تواند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند. ولی به گفته بنگستون، این دیدگاه مشخص نمی‌کند که این تفاوت‌ها کدام هستند، چگونه به وجود می‌آیند و در آینده عواقب وجود چنین تفاوت‌هایی چه می‌تواند باشد (تاجیک، ۱۳۸۶، ۳۵-۳۶).

1. Bengeston

۵-۲- رایزمن^۱

دیوید رایزمن سیر تحول جوامع و دگرگونی‌های آنها را ناشی از تحول ارتباطات و وسایل ارتباطی می‌داند. وی سیر زندگی بشر را به سه دوره تقسیم‌بندی کرده است. وی در این دوره‌ها، به نقش رسانه‌ها در تغییر سنت‌ها و ایجاد شکاف نسلی اشاره کرده‌است: دوره‌ی اول، دوره سنت راهبر است. در این دوره سنت‌ها فرهنگ را انتقال می‌دهند و هر نسل پیوند خود با نسل‌های پیشین از طریق اشتراک سنت‌ها باز می‌یابد و همین باعث می‌شود که وحدت و هویت اقوام انسانی (نسل‌های انسانی) تأمین شود. سنت‌ها به عنوان راه‌ها و شیوه‌های عمل و میراث نیاکان، بعدی تقدس‌آمیز دارند و همین امر هرگونه شک و تردیدی را در مورد آنها از بین می‌برد. در این دوره راه‌های آینده، همان راه‌هایی است که نیاکان جامعه ما طی قرن‌ها پیموده‌اند (رابرتسون^۲، ۱۳۷۲، ۱۳۱). به عبارتی در دوران سنت راهبر یک نوع ساخت اجتماعی مبتنی بر سنت، رفتار بشر را یکنواخت و قابل پیش‌بینی می‌کند و به او آرامش و ثبات می‌دهد. ارتباطات در این دوره چهره‌به‌چهره است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۴). رایزمن بر این باور است که تربیت فردی در مرحله‌ی نخست، از طریق حماسه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل می‌گیرد که به صورت شفاهی به فرد منتقل می‌شود و نقش این نوع تربیت همزمان، هم سنت‌ها را متذکر می‌شود و هم نشان می‌دهد چطور قهرمانان بزرگ و استثنایی می‌توانند، جاودانه شوند (دادگران، ۱۳۸۴، ۸۶). دوره‌ی دوم، دوره درون راهبر است. این دوره با کاهش تدریجی اهمیت سنت‌ها آغاز و باعث کاهش تشابهات در رفتارها و اعمال می‌شود. در این دوره همه افراد جامعه از الگوی یکسانی در حیات اجتماعی تبعیت نمی‌کنند. همچنین فردگرایی گسترش می‌یابد و انسان بار مسؤلیت و عمل خود را به دوش می‌گیرد. رایزمن این دوران را دوران التهاب، هراس و سرزنش‌های بی‌پایان می‌داند. (رابرتسون، ۱۳۷۲، ۱۳۱) در این مرحله، انتقال میراث فرهنگی، از طریق نوشتار به‌ویژه چاپ و مکتوبات که انگاره‌های فردی را رواج می‌دهند، انجام می‌گیرد. در حالی که اسطوره‌ها و حماسه‌ها با حلقه‌زدن بر گرد اجاق قبیله بازگو می‌شد و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. نسل از درون هدایت شده کتاب خود را در انزوا و در خلوت و یا در گوشه‌ای از اتاق خود می‌خواند (دادگران، ۱۳۸۴، ۸۶). دوره سوم، دوره‌ی دگر راهبر است که دوران ظهور وسایل ارتباط جمعی است و پدیده‌هایی چون هدایت از راه دور، بت‌واره پرستی، شیء سروری و بحران هویت از ویژگی‌های آن است. در این دوره عده‌ای با استفاده از قدرت جادویی وسایل ارتباط جمعی، توده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و الگوهای خاص فکری و اجتماعی خود را القا می‌کنند. انسان در این دوره در پی امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و وسایل ارتباط جمعی دوستی‌های قدیم است و در برابر رسانه‌ها و گردانندگان قدرتمند آن و همچنین وسوسه‌های ناشی از آن بسیار آسیب پذیر است. به

1-Rizeman

2- Rabertson

زعم رایزمن این دوره در تاریخ انسان با عنوان دوره‌ای ثبت خواهد شد که در آن رسانه‌ها و گردانندگان آنها الگوهای حیات اجتماعی را می‌سازند (رابرتسون، ۱۳۸۳، ۱۳۱). به عبارتی این دوران ناشی از تمدن ارتباط‌جمعی و پیدایش ابزارسالاری است. در این دوره بت‌های ذهنی جدیدی به وجود می‌آید که در انسان موجب از خودبیگانگی می‌شود. در این مرحله فرهنگ بلعیده می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۴). رسانه‌ها افراد را می‌سازند، آن‌هم نه در میان جمع خانواده و یا در گوشه‌ی عزلت، بلکه در میان گروه دوستان و همسالان. تأثیر آموزشی رسانه‌ها در تمام طول حیات انسان تداوم می‌یابد و رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو... (تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات) دائماً افراد کلیشه‌ای و متحدالشکل توده را هدایت می‌کنند و به رفتار آنها نظم می‌بخشند (دادگران، ۱۳۸۴، ۸۷-۸۶).

۳-۵- تافلر^۱

بر اساس تقسیم‌بندی الوین تافلر تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی جهان و به تبع آن زندگی انسانی در طی تاریخ با سه دوره مشخص و متمایز رو به رو بوده است که عبارتند از: جامعه کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی، در هر کدام از این مراحل نهاد خانواده ویژگی کافی را دارا بوده است. در جوامع موج اول، کارها اکثراً در مزارع و یا خانه توسط مردان و زنان توأم انجام گرفت و افراد خانواده به اتفاق یکدیگر یک واحد اقتصادی را تشکیل می‌دادند و زندگی شغلی و خانوادگی با هم مخلوط شده و ادغام گردیده بود. در چنین وضعیتی بر حسب مورد سیستم پدرشاهی و یا مادرشاهی حاکم بوده و رسم و رسوم بوده است. هجوم قبایل مختلف به یکدیگر و به اسارت‌گرفتن آنها حاکمیت فرهنگ قبيله پيروز بر قبيله محكوم را به دنبال داشته‌است. بدین ترتیب فرهنگ و باورهای اعتقادی و مذهبی خانواده و یا قبيله تا زمانی پابرجا بود که محل زندگی خانواده‌ها مورد تجاوز یا تهاجم گروه دیگر قرار نمی‌گرفت. به عبارت دیگر جامع از بعد فرهنگی و اقتصادی در برخی از مناطق به طور کامل و در جاهایی به طور نسبی از نظر مراودات خارجی بسته بود. تحولات صورت‌گرفته در زمینه صنعت و ایجاد کارخانجات مختلف در سطح جهان موج دیگری از تحول را جایگزین سیستم قبلی ساخت که مصرف تمدن مبتنی بر صنعت ساخته شده‌است با توسعه این سیستم، کار از مزارع و خانه‌ها به کارخانه‌ها منتقل شد و میزان وابستگی متقابل مردم به یکدیگر را افزایش داد. بدین ترتیب مردان در کارخانه‌ها حضور یافته و از حضور فیزیکی و اقتداردائمی آنها در خانه کاسته شد. از سوی دیگر فرهنگ صنعتی نوعی از مراودات خاص اجتماعی و اقتصادی را به وجود آورد و به موازات سیستم مشخص از تعلیم و تربیت و شکل جدیدی از خانواده را در جامعه مطرح ساخت که عمدتاً از پدر و مادر و یک یا دو فرزند تشکیل می‌شد.

1. Toffler

زنان عمدتاً در خانه می‌مانند تا به صورت یک واحد غیر متمرکز فعالیت نمایند یا آن که به پرورش کودکان و برخی مشاغل خانگی بپردازند این سیستم اجتماعی از بعد روش‌های تربیتی، تلافی و متقابل فرهنگ‌ها و آداب و رسوم قبایل، شهرها و کشورهای مختلف در مقایسه با جامعه مبتنی بر کشاورزی بسیار بارزتر و با سعه صدر بیشتری عمل نموده‌است، از آنجا که در بسیاری از کشورهای اروپایی تحول صنعتی شدن به تدریج صورت گرفت و به موازات فرهنگ سازمانی، جامعه مناسبی نیز بر آن اساس شکل گرفته است لذا نهاد خانواده، کودکان، زنان و سیستم‌های تعلیم و تربیت به مرور با تحولات مزبور تطبیق یافت تا به نوعی به نیازهای جامعه پاسخ دهد. هر چند که با توجه به آمار از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها در جوامع صنعتی، این ذهنیت ایجاد شده است که در صورت توسعه صنعت و فراتر از آن تحکیم موج سوم تمدن «که بر فن‌آوری اطلاعات مبتنی است» در جهان بنیان خانواده‌ها بیشتر سست شده است و از هم‌پاشیدگی بیشتری به وجود می‌آید و الگوی پذیرفته‌شده آن که شامل پدر و مادر و یک یا دو فرزند است به مرور رنگ می‌بازد، علیرغم برخی مشاهدات که بر تأیید این نظر دلالت می‌نماید در حقیقت باید اذعان داشت که موج سوم به معنای پایان‌دادن به عمر خانواده‌های استاندارد و هسته‌ای نیست بلکه شکل نوینی از خانواده‌ها را جایگزین آن خواهد نمود. بدین‌صورت که در موج سوم تمدن، خانواده‌ها شکل واحدی نخواهند داشت (تافلر، ۱۳۶۳).

درخصوص چگونگی پیدایش جامعه‌ی اطلاعاتی، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده به انقلاب فن‌آورانه ای که حول محور فن‌آوری‌های اطلاعات متمرکز است اشاره می‌کند. مانوئل کاستلز در سال‌های پایانی قرن بیستم، چشم‌انداز اجتماعی، زندگی انسان را دگرگون ساخته و با سرعتی شتابان در کار شکل‌دهی مجدد بنیان مادی جامعه است (کاستلز، ۱۳۸۴، ۲۸). با این همه کاستلز مفهوم جامعه اطلاعاتی را با احتیاط و به صورت مشروط به کار می‌برد و معتقد است نام‌بردن از یک جامعه‌ی اطلاعاتی به معنای همگونی جهانی همه‌ی شکل‌های اجتماعی نیست. سخن گفتن از جامعه‌ی اطلاعاتی یا جامعه‌ی متکی بر اطلاعات به دو شرط نیازمند است: از یک سو اعضای این جامعه در شکل کنونی خود، سرمایه‌داری هستند و از سوی دیگر تنوع و چندگونگی فرهنگی و نهادی آنها باید مورد توجه قرار گیرد. بدین‌معنی اگرچه ژاپن، اسپانیا، چین، برزیل و ایالات متحده‌ی آمریکا همگی جزء جوامع اطلاعاتی به شمار می‌آیند، اما هویت خویش را در دیگ جوشان و جهان گستر و همسان‌ساز سرمایه‌داری متکی به اطلاعات از دست نمی‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۴، ۴۸). بنابراین کاستلز به جای اصطلاح جامعه‌ی اطلاعاتی، ترجیح می‌دهد جامعه‌ی شبکه ای را به کار ببرد. به نظر وی یکی از پیامدهای مهم گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نوین مبتنی بر آن، دگرگونی فرهنگ ماست از این رو در اثر ایجاد و گسترش شاه‌راه‌های اطلاعاتی، فرهنگ نوینی در حال ظهور است (کاستلز، ۱۳۸۴، ۳۸۴).

ویلیام مارتین جامعه‌ی اطلاعاتی را جامعه‌ای معرفی می‌کند که در آن کیفیت زندگی همانند چشم-اندازهای تحول اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی به میزان رو به تزایدی، به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته است. در چنین جامعه‌ای استانداردهای زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و بازارکار به گونه‌ای کاملاً محسوس تحت‌الشعاع پیشرفت‌هایی قرار گرفته که در قلمرو اطلاعات و دانش‌ها روی داده است (محسنی، ۱۳۸۰، ۲۲۱-۲۰). ویلیام مارتین^۱ و فرانک وبستر^۲ از اندیشمندانی هستند که هر یک پنج معیار را برای جوامع اطلاعاتی مشخص نموده‌اند که ویژگی‌هایی مشابه را می‌توان برای آنها در نظر گرفت. مارتین به معیارهای زیر تأکید می‌ورزد:

۱. **تکنولوژی اطلاعات:** اطلاعات منبع و پایه اساس جامعه می‌باشد که نقش تقویت‌کننده و استحکام‌بخش برای سایر عناصر مؤلفه‌ای جامعه دارد.
۲. **بعد اجتماعی:** پرداختن به ساختار اجتماعی جوامعی که اطلاعات در آن نقش اساسی را ایفا می‌کند منجر به تغییراتی در کیفیت و سطح زندگی می‌شود و بنابراین جریان اطلاعات در فعالیت‌های مختلف اجتماعی سبب ارتقای آگاهی جامعه در زمینه‌های بهداشتی، آموزشی و اجتماعی می‌شود.
۳. **بعد اقتصادی:** توجه به جایگاه اطلاعات در نهاد اقتصادی و ساختار اقتصادی جوامع تا جایی پیش رفت که اقتصاد مبتنی بر اطلاعات مطرح گردید. از نشانه‌های آشکار این تحول می‌توان به خدماتی چون تجارت و فعالیت‌های اقتصادی الکترونیکی اشاره نمود.
۴. **بعد سیاسی:** در معیار سیاسی بر نقش اطلاعات بر ساختار سیاسی گروه‌های سیاسی از لحاظ درون‌گروهی و برون‌گروهی توجه شده است. افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها مثل انتخابات و ارتقای گروهی آگاهی سیاسی آنها و پیشبرد خدمات دولتی در سطح ملی و بین‌المللی از ویژگی‌های معیار سیاسی می‌باشد.
۵. **بعد فرهنگی:** نظام فرهنگی جوامع نیز دستخوش تغییر و تحولاتی مبتنی بر اطلاعات شده است. افکار عمومی، نگرش‌ها، تعامل افراد با یکدیگر و احترام به عقاید متفاوت صاحب‌نظران در قالب یک چارچوب ارزشی متحول شده‌اند و مرزهای فرهنگی به واسطه تکنولوژی اطلاعات کمرنگ شده است. وبستر نیز اگرچه به معیار تکنولوژیک پیش از بقیه موارد توجه دارد در عین حال به غیر از معیار تکنولوژی به معیار اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای، فضایی و فرهنگی نیز تأکید می‌ورزد (فتحی و دیگران، ۱۳۸۹، ۶۴). فرانک وبستر تعریف مشابهی از «جامعه‌ی اطلاعاتی» که بر نوآوری وسیع فن‌آوری‌های اطلاعاتی مبتنی است به دست می‌دهد. به نظر او در وهله‌ی اول نخست کاربرد فن‌آوری‌های اطلاعاتی که تقریباً در گوشه و کنار جوامع گسترش یافته و استفاده از کامپیوترها همگانی شده است. سپس تحول دیگری در زمینه‌ی

1. William Martin

2. Frank Webster

مخابرات صورت گرفته و به توزیع گسترده‌ی اطلاعات در سطح جامعه، منجر شده که مردم جهان را هرچه بیشتر در بزرگراه‌های اطلاعاتی و در معرض بهره‌گیری از اطلاعات قرار می‌دهد. آثار فرهنگی این وضعیت را در جاها و موارد مختلف می‌توان مشاهده کرد. لباس‌هایی که می‌پوشیم، سبک آرایش مو و صورت، غذاهایی که می‌خوریم، آداب معاشرت و معماری منازل نیز در همین زمینه، قابل ذکر است. فرهنگ معاصر به شکلی عجیب، اطلاعات و ارزش‌های قبل از خود و فرهنگ‌های دیگر را در خود نهفته دارد و از آنها استفاده می‌کند (ویستر، ۱۳۸۳، ۵۲). جان فیدر از انقلابی یاد می‌کند که در زمینه‌ی اطلاعات و ارتباطات در جهان روی داده و زندگی همه‌ی انسان‌های روی کره‌ی زمین را تحت تأثیر قرار داده است. انقلابی که مبتنی بر رایانه و دارای آثار گسترده‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. یعنی ازسویی، اطلاعات را به کالایی تجاری و سودآور بدل کرده که تملک آن باعث قدرت می‌شود. از سوی دیگر، اثرات ماندگاری بر شخصیت و هویت انسان‌ها برجای می‌گذارد (فیدر، ۱۳۸۰، ۴-۵).

یورگن هابرماس^۱ به‌عنوان یکی از مهمترین نظریه‌پردازان انتقادی به ظهور فن‌آوری‌های ماهواره‌ای و اطلاعات دیجیتال و تأثیر آن در فرآیند جهانی شدن تأکید کرده است و به نظر وی در عرصه‌ی فرهنگی نوعی همسانی ایجاد شده و فرهنگ طلایی‌شده‌ی آمریکایی نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل می‌کند، بلکه حتی در غرب نیز معنادارترین تفاوت‌ها را کمرنگ و ریشه‌دارترین سنت‌های محلی را سست-بنیان کرده است (هابرماس، ۱۳۸۴، ۱۰۲).

یان رابرتسون، معتقد است که از اوایل قرن بیستم رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی چنان بر زندگی بشر سایه افکند که اثرات مثبت و منفی فراوانی بر زندگی بشر گذاشته است. از همه مهمتر این که در عصر کنونی با ظهور اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات و به ویژه اینترنت فضای ارتباطات و تأثیرگذاری آنها، توسعه زیادی یافته است. به طوری که ما هم اکنون، تحت تأثیر این رسانه‌های نوین دهکده جهانی به سر می‌بریم. به عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل-های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی را دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و هم چنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند (بیات، ۱۳۸۲، ۳۳۶). جمیز لال معتقد است فرهنگ‌سازی از طریق فن-آوری‌های رسانه‌ای به شیوه‌ای صورت می‌پذیرد که ارزش‌ها، ایده‌ها، سنت‌ها و سبک‌های شاخص به عنوان بنیادهای فرهنگ، تداوم، استمرار و تثبیت یابند. وی در این حال بر این باور است که رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون با توجه به برش‌های متغییر زمانی و مکانی موجبات تغییر در پوسته فرهنگ از

1. Habermas

جمله الگوهای تماس، نحوه صحبت، خوابیدن، تفریحات، آماده‌سازی غذا، الگوهای مصرف و شیوه‌های ارتباطات عمومی را فراهم می‌آورند (دهشیری، ۱۳۸۸، ۱۸۳-۱۸۰).

هاتمن کارکردهای وسایل ارتباط جمعی را به سه بخش تقسیم نموده است:

۱. تولید: بدین معنی که وسایل ارتباط جمعی قادر هستند کاری انجام دهند که این کار ممکن است ساختن بر مبنای خطوط از پیش تعیین شده و یاد دادن با روش‌هایی که مردم به اهدافشان برسند، باشد.

۲. ابداع: یعنی این که ایده‌های جدید را تشویق نمایند و تغییر ایجاد کنند.

۳. نگهداری: بدین نحو که قادر هستند روابط موجود را حفظ و نگهداری کنند (اعرابی، ۱۳۷۲، ۳۱).

در دیدگاه بنیادی، فن‌آوری، ابزاری برای خدمت به کاربران تلقی می‌شود. در این تفکر، فن‌آوری خنثی بوده و هیچ‌گونه محتوای ارزشی ندارد و افراد بنا بر اهداف خود می‌توانند از آن استفاده نمایند.

در دیدگاه جبرگرایانه، فن‌آوری به عنوان عامل پیش‌برنده در تاریخ محسوب شده و رویدادهای تکنیکی، علت تغییرات در جامعه و شرط اساسی سازماندهی اجتماعی قلمداد می‌شود. «مارشال مک لوهان» ابراز می‌دارد که رسانه همان پیام است و رسانه‌ها مجراهای ارتباطات و علت اصلی و اولیه تغییر فرهنگ هستند. به عقیده وی، رسانه‌ها می‌توانند روابط خانوادگی، محل کاری، مدارس، دانشگاه‌ها، سیاست، بهداشت و حتی مذهب را تحت تأثیر قرار دهند.

در دیدگاه آرمانی و ضد آرمانی، علی‌رغم آن که ایجاد فن‌آوری ارتباطی، همواره چالشی فرهنگی - اجتماعی را برای آینده اجتماع به همراه دارد، چنانچه کنترل تکامل جامعه در نظر گرفته شود، احتمالات فن‌آوری نیز به صورت آرمانی و ضد آرمانی شکل خواهد گرفت. آرمان‌گرایان به امکانات آینده امیدوارند، اما ضد آرمان‌گرایان از آینده زندگی بشر و فن‌آوری در هراسند؛ لذا با نگرش «فن‌آوری‌گریزی» اظهار می‌دارند که به جای اتلاف انرژی برای برقراری ارتباط با دستگاه‌های تکنولوژیک، افراد نیز باید تلاش نمایند تا در کنار یکدیگر، فرآیند اجتماعی شدن را برای انجام کارها، ارتقاء بخشند (فرهمند، ۱۳۸۷).

۶- فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد بین میزان آشنایی والدین و فرزندان با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان علاقه والدین و فرزندان با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان استفاده والدین و فرزندان از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین فاصله سنی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین اختلاف تحصیلی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۷- روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش اسنادی و پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری کلیه خانواده‌های شهر گرمسار با جمعیتی در حدود ۴۶۴۶۶ نفر بین گروه سنی ۱۵ تا ۶۹ سال می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. بنابراین حجم نمونه در این پژوهش ۴۳۰ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای - تصادفی بوده است. بدین صورت که چارچوب نمونه‌گیری بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد به سه گروه (بالای شهر، مرکز شهر، پایین شهر) مشخص شد. برای تعیین پایانی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان پایانی پرسشنامه عدد $\text{Alpha}=0/77$ می‌باشد که در سطح بالایی قرار دارد.

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- یافته‌های توصیفی

با توجه به یافته‌های به دست آمده از این تحقیق ۵۲/۲ درصد فرزندان پاسخگو پسر و ۴۷/۶ درصد هم دختر می‌باشند. (۶۸/۷ درصد) فرزندان کمتر از ۲۴ سال سن دارند و ۸۰ درصد والدین بیشتر از ۳۶ سال سن داشتند. ۸۰/۳ درصد فرزندان پاسخگو مجرد می‌باشند و ۹۰/۲ درصد والدین پاسخگو متأهل با یکدیگر زندگی می‌کنند تنها ۱۵ درصد فرزندان دیپلم ردی می‌باشند و الباقی تحصیلات دانشگاهی دارند و تنها ۱۵/۸ درصد والدین دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم می‌باشند و (۳۳/۸ درصد) دارای مدرک دیپلم می‌باشند.

۹۵ درصد فرزندان در سطوح مختلف از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و به صورت حرفه‌ای استفاده می‌کنند

در حالی که میزان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ۷۸/۱ درصد والدین به صورت مبتدی است و الباقی نیز در محیط کار استفاده می‌کنند و استفاده‌شان فقط کاربرد اداری دارد.

۸-۲- یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین میزان آشنایی والدین و فرزندان با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت وجود دارد.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون یومان وایتنی در باره مقایسه میزان آشنایی والدین و فرزندان با ict رتبه‌ها

خانواده		تعداد	میانگین رتبه‌های دو گروه	جمع رتبه‌ها
میزان آشنایی	فرزندان	200	239.07	47813.00
	والدین	196	157.11	30793.00
	جمع	396		
Mann-Whitney U=11487.000				Z=-7.542 Sig. (2-tailed)=.000

همانطور که مشاهده می‌شود مقایسه متوسط رتبه‌های فرزندان و والدین نشان می‌دهد که میزان آشنایی فرزندان (MeanRank=239/07) از والدین (MeanRank=157/11) بیشتر است و با توجه به میزان خطای به دست آمده (Sig=000) و ($Z=-7/542$) می‌توان استنباط نمود که در بین والدین و فرزندان بر حسب میزان آشنایی با ITC تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان علاقه والدین و فرزندان با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت وجود دارد.

جدول شماره (۲) نتایج آزمون یومان وایتنی در باره مقایسه میزان علاقه والدین و فرزندان با ict رتبه‌ها

خانواده		تعداد	میانگین رتبه‌های دو گروه	جمع رتبه‌ها
میزان علاقه	فرزندان	155	160.10	24815.50
	والدین	125	116.20	14524.50
	جمع	280		
Mann-Whitney U=6649.500				Z=-4.928 Sig. (2-tailed)=.000

همانطور که مشاهده می‌شود مقایسه متوسط رتبه‌های والدین و فرزندان نشان می‌دهد میزان علاقه فرزندان (MeanRank=160/10) از والدین (MeanRank=116/20) بیشتر است و با توجه به میزان خطای به دست آمده (sig=000 $z=-4/928$) می‌توان استنباط نمود که بین والدین و فرزندان از لحاظ میزان علاقه به اینترنت تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این نتایج قابل تعمیم به جامعه آماری است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان استفاده والدین و فرزندان از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تفاوت وجود دارد.

جدول شماره (۳) مقایسه میانگین شاخص میزان استفاده از ict در بین فرزندان و والدین

Group Statistics					
گروه‌ها	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	
میزان استفاده	فرزندان	198	2.7255	1.31049	.09175
	والدین	181	1.2315	.43440	.03049

جدول فوق نشان می‌دهد میانگین میزان استفاده از ict در بین فرزندان (۲/۷۲۵۵) بیشتر از والدین (۱/۲۳۱۵) است فرزندان حدود ۱/۴۹۴ بیشتر از والدین از ICT استفاده می‌کنند. جدول شماره (۴) آزمون میانگین شاخص میزان استفاده از ict در بین فرزندان و والدین

Independent Samples Test											
		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means							
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference		
										Lower	Upper
1	Equal variances assumed	19.713	.000	5.075	278	.000	.63948	.12600	.39145	.88752	
	Equal variances not assumed			5.262	273.342	.000	.63948	.12152	.40024	.87873	

نتایج آزمون لیون حاکی از آن است که تفاوت معنی‌داری در پراکندگی میزان استفاده از ICT در بین فرزندان و والدین دیده می‌شود. قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (F=19/713, Sig=000/) بنابراین چون فرض برابری واریانس رد شده است بنابراین با توجه به آماره t نتایج آزمون برابری میانگین-ها بیانگر این واقعیت است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین میزان استفاده از ICT فرزندان و والدین در سطح نمونه مشاهده شده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (t=075/5 df=278 sig=000) لذا می‌توان ادعا نمود که فرزندان و والدین ر جامعه آماری در استفاده از ICT مشابه نیستند فرزندان بیشتر از والدین به استفاده از ICT گرایش دارند.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره (۵) تعیین سطح معنی‌داری، شدت و جهت تأثیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نسلی

Directional Measures						
			Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	.159	.042	3.775	.000
		B4 Dependent	.133	.035	3.775	.000
		D2 Dependent	.198	.052	3.775	.000

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

با استناد به نتایج جدول فوق رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی با احتمال ۰.۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. با توجه به این نتیجه، فرض H_1 مبنی بر معنی‌داری آماری این رابطه تأیید و در مقابل فرض H_0 تحقیق مبنی بر عدم معنی‌داری آماری این رابطه رد می‌شود. از سوی دیگر، مقدار d سامرز (۰/۱۵۹) نیز مؤید رابطه دو متغیر فن‌آوری اطلاعات و

ارتباطات و شکاف نسلی می‌باشد. بدین معنی که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات با شکاف نسلی رابطه و همبستگی دارد. همچنین رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه نیز می‌باشد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین فاصله سنی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۶) تعیین سطح معنی‌داری، شدت و جهت تأثیر فاصله سنی فرزندان و والدین بر شکاف نسلی

Directional Measures

			Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	.207	.039	5.346	.000
		فاصله سنی	.236	.044	5.346	.000
		شکاف نسلی	.184	.034	5.346	.000

a. Not assuming the null hypothesis

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis

نتایج آزمون **d** سامرز نشان می‌دهد که می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد ادعا نمود فاصله سنی بین فرزندان و والدین رابطه مستقیم و معنی‌داری با شکاف نسلی دارد ($Sig=.000$), $Somers' d=.207$) به این معنی که با زیاد شدن فاصله سنی بین فرزندان و والدین، شکاف نسلی تا حدودی افزایش می‌یابد و برعکس با کم شدن فاصله سنی بین فرزندان و والدین، شکاف نسلی نسبتاً کاهش می‌یابد. در نتیجه بدین معنی که هرچه فاصله سنی بین والدین و فرزندان بیشتر باشد شکاف نسلی بین آنها نیز بیشتر می‌باشد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین اختلاف تحصیلی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۷) تعیین سطح معنی‌داری، شدت و جهت تأثیر اختلاف تحصیلی فرزندان و والدین بر شکاف نسلی

Directional Measures

			Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	.194	.043	4.484	.000
		میزان تحصیلات	.166	.037	4.484	.000
		شکاف نسلی	.234	.052	4.484	.000

Directional Measures

			Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	.194	.043	4.484	.000
		میزان تحصیلات	.166	.037	4.484	.000
		شکاف نسلی	.234	.052	4.484	.000

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

نتایج آزمون **d** سامرز نشان می‌دهد که می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد ادعا نمود میزان اختلاف تحصیلی و یا شکاف تحصیلی بین فرزندان و والدین رابطه ضعیف مستقیم و معنی‌داری با شکاف نسلی دارد (Somers' d=.194), (Sig=.000).

به این معنی که با کم کردن فاصله تحصیلی بین فرزندان و والدین، شکاف نسلی تا حدودی کم می‌شود و برعکس با زیاد شدن فاصله تحصیلی بین فرزندان و والدین، شکاف نسلی نسبتاً بیشتر می‌شود.

۹- نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن و ورود تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات به عرصه زندگی باعث شده تا بیشتر از گذشته افراد در معرض تغییر و تحول قرار بگیرند و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی آنان بیش از پیش دستخوش نوسان شود.

شکاف نسلی به عنوان یک امر بدیهی در تمام جوامع امروز وجود دارد، اما شدت و قوت آن در محیط‌های اجتماعی گوناگون متفاوت است.

ICT به عنوان پدیده‌ای نوین بر زندگی بشر امروز تأثیر گسترده‌ای داشته است و در جوامع در حال گذار، از سنتی به مدرن، این تأثیرات به طور چشمگیری نمایان شده است.

از آنجا که جوانان بیشتر وقت فراغت خود را با تکنولوژی‌های نوین و اینترنت پر می‌کنند و حضور آنها در فضای الکترونیکی و دنیای مجازی باعث می‌شود تا به خاطر ناشناس بودن بیشتر خود را آشکار نمایند و خودگشودگی را بیشتر با فضای مجازی تجربه می‌کنند تا با والدین خود. این امر باعث شده جوانان در ذوق و سلیقه و نحوه تفکر، نگرش و گرایش از بزرگسالان خود فاصله بگیرند.

به هر حال فاصله سلیقه‌ای نسل‌ها در انتخاب غذا، موسیقی، انتخاب لغات گفتاری و پوشش و نگرش نمود پیدا کرده است و در برخی از موارد به مرور زمان سلیقه‌ها و انتخاب‌ها با هم سعی در هم-پوشانی دارند.

شکاف نسلی در ایران نیز میان نسل‌ها مشاهده می‌شود ولی در تمامی زمینه‌ها از یک شدت و قوتی برابر برخوردار نمی‌باشد، چنان‌که پژوهش حاضر نشان می‌دهد ۹۵ درصد فرزندان در سطوح مختلف از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و به صورت حرفه‌ای استفاده می‌کنند در حالی که میزان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ۷۸/۱ درصد والدین به صورت مبتدی است و الباقی نیز در محیط کار استفاده می‌کنند و استفاده‌شان فقط کاربرد اداری دارد.

مقایسه متوسط رتبه‌های فرزندان و والدین نشان داد که میزان آشنایی فرزندان نسبت به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از والدین بیشتر است.

همچنین متوسط میزان علاقه فرزندان از والدین بیشتر است. نتایج آزمون لیون حاکی از آن است که تفاوت معنی‌داری در پراکندگی میزان استفاده از ICT در بین فرزندان و والدین دیده می‌شود.

لذا نتایج این پژوهش نشان داد که فرزندان و والدین در استفاده از ICT مشابه نیستند فرزندان بیشتر از والدین به استفاده از ICT گرایش دارند.

از سوی دیگر، مقدار d سامرز (۱۵۹/). نیز مؤید رابطه علی دو متغیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی می‌باشد.

بدین معنی که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات باعث شکاف نسلی شده‌است نتایج به‌دست‌آمده با مطالعات (ایشاق فاین، ۲۰۱۰) همسو است.

بدین معنی که هرچه میزان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نسل‌ها افزایش یابد شکاف نسلی بیشتر می‌گردد.

یافته‌های پژوهش حاضر همسویی دارد با نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در این پژوهش که هر چه میزان و نوع استفاده از فن‌آوری‌ها افزایش یابد، ارتباطات کلامی و گفتگو و تعاملات چهره‌به‌چهره اعضای خانواده (والدین و فرزندان) کاهش می‌یابد و باعث می‌گردد فاصله و تمایز و شکاف نسلی افزایش یابد.

با توجه به نظریه دیوید رایزن، یکی از نظریه‌پردازان آمریکایی که در کتاب خود به نام «نبوه تنها» سیر تحول جوامع و دگرگونی‌های آنها را ناشی از تحول ارتباطات و وسایل ارتباطی می‌داند. وی سیر زندگی بشر را به سه دوره تقسیم‌بندی کرده‌است. وی در این دوره‌ها، به نقش رسانه‌ها در تغییر سنت‌ها و ایجاد شکاف نسلی اشاره کرده‌است:

دوره اول، دوره سنت راهبر است. در این دوره سنت‌ها فرهنگ را انتقال می‌دهند و هر نسل پیوند خود با نسل‌های پیشین را از طریق اشتراک سنت‌ها باز می‌یابد و همین باعث می‌شود که وحدت و هویت اقوام انسانی «نسل‌های انسانی» تأمین شود.

سنت‌ها به عنوان راه‌ها و شیوه‌های عمل و میراث نیاکان، بُعدی تقدس‌آمیز دارند و همین امر هرگونه شک و تردیدی در مورد آنها را از بین می‌برد. در این دوره راه‌های آینده، همان راه‌هایی است که نیاکان جامعه ما طی قرن‌ها پیموده‌اند (رابرتسون، ۱۳۷۴، ۱۳۱).

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، هر چه تفاوت تحصیلی و فاصله سنی بین فرزندان و والدین بیشتر باشد شکاف نسلی نیز بیشتر می‌گردد.

بدین معنی که با بالا رفتن سطح تحصیلات و آگاهی، میزان آشنایی و علاقه و نوع استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات افزایش می‌یابد و بالعکس و با بالا رفتن سن، میزان آشنایی و علاقه و نوع استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات کاهش می‌یابد و بالعکس، در نتیجه فاصله بین نسل‌ها بیشتر و شکاف نسلی ایجاد می‌گردد.

در نتیجه مصرف ICT، سلیقه و نگرش افراد را به طور گسترده و همه‌جانبه تحت تأثیر قرار داده است و تبلیغات گسترده، ترویج مصرف‌گرایی، مد و هویت‌های چندگانه را به همراه داشته است و بی شک نسل جوان نیز متأثر از پدیده‌های نوگرایی است.

به طوری که حضور وبلاگ‌ها، سایت‌ها و اتاق‌های گپ‌زنی و شبکه‌های اجتماعی باعث شده است تا جوانان تجربه متفاوتی را درک نمایند و زمان بیشتری را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. مقوله‌ای که فضای ارتباطی را وارد فاز متفاوتی از قبل نموده است.

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی نسلی، بی نا، تهران.
۲. اعرابی، نادره، ۱۳۷۲، انتقال ارزشی از طریق تلویزیون ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. بیات، بهرام، ۱۳۸۲، تعارض ارزش‌های جوانان با ارزش‌های جامعه و والدین، پژوهشکده علوم انسانی.
۴. بلاش، فرهاد، ۱۳۸۷، بررسی تأثیر به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نگرش اخلاقی بین نسلی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، گروه علوم تربیتی.
۵. بوربورحسین‌بیگی، مریم، ۱۳۸۵، بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل (مطالعه موردی کلیه دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران و والدین آنها)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی.

۶. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۶، شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، تهران.
۷. تافلر، الوین، ۱۳۶۳، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر نو، تهران.
۸. توکلی، مهناز، ۱۳۷۸، بررسی نظام ارزش‌های دو نسل مادر و دختران ۷۸، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.
۹. توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم، ۱۳۸۵، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، فصلنامه علوم اجتماعی ۹۷، ۲۷-.
۱۰. جعفرزاده‌پور، فروزنده، ۱۳۸۸، کندو کاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۱. چلبی، مسعود، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، تهران.
۱۲. حریری، نجلا؛ زمانی‌راد، نسترن، ۱۳۹۰، بررسی شکاف دیجیتالی بین نسل‌ها از نظر آشنایی، علاقه و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، دوره ۲، شماره ۱، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فن‌آوری اطلاعات ایران.
۱۳. دادگران، سید محمد، ۱۳۸۴، مبانی ارتباط جمعی، نشر مروارید و فیروزه، تهران، چاپ هشتم.
۱۴. دیباجی، فاطمه [و دیگران]، ۱۳۸۴، سیمای مخاطبان صدا و سیما در سال ۱۳۸۳، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای اداره کل پژوهش‌های اجتماعی و سنجش برنامه‌ای، شماره ۹۵، تهران.
۱۵. رابرتسون، یان، ۱۳۷۴، درآمدی بر جامعه‌(با) تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، نشر آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم.
۱۶. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۸، رسانه و فرهنگ‌سازی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، ۱۷۹-۲۰۸.
۱۷. ساروخانی، باقر؛ توسلی، غلامعباس؛ سید عربی‌نژاد، عزیزه، ۱۳۸۷، تأثیر فضاهای مجازی بر کنش اجتماعی جوانان دانشجوی دختر با تأکید بر اینترنت، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۱-۱۵۲.
۱۸. سگالین، مارتین، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز، تهران.

۱۹. فتحی، سروش و معصومه مطلق، ۱۳۸۹، رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ITC)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
۲۰. فرهنگ، علی اکبر؛ صادقی، لواسانی نیا، ۱۳۸۶، پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره دوم، ۱۵۲-۱۳۷.
۲۱. فرهمند، مریم، ۱۳۸۷، دختران و کاربرد اینترنت. (www.sid.com).
۲۲. فیدر، جان، ۱۳۸۰، جامعه اطلاعاتی، ترجمه علی رادباوه و عباس گیلوری، نشر کتابدار، تهران.
۲۳. کاستلز، مانوئل، اینس، م، ۱۳۸۴، گفتگوهای با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
۲۴. کفاشی، مجید، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، ۷۶-۵۶.
۲۵. محسنی، منوچهر، ۱۳۸۰، جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، نشر دیدار، تهران.
۲۶. مطلق، معصومه؛ بهروزنیا، پرستو، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر توسعه شهری (مطالعه موردی شهر اراک)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، ۶۵-۳۵.
۲۷. مک کوئیل، دنیس، ۱۳۸۲، درآمدی بر نظریه های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلائی، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، تهران.
۲۸. مهدی زاده، سید محمد، ۱۳۸۰، نظریه های ارتباطات جمعی، تهران.
۲۹. نوابخش، مهرداد، هاشم نژاد، فاطمه؛ زادشم پور، وحید، ۱۳۸۶، بررسی آثار اینترنت و موبایل و تغییر هویت جوانان ۱۵-۲۹ سال استان مازندران، مجله جامعه شناسی مطالعات جوانان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، سال اول، شماره اول، ۱۷۰-۱۴۶.
۳۰. وبستر، فرانک، ۱۳۸۳، نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، نشر آگه، چاپ دوم.
۳۱. هابرماس، یورگن، ۱۳۸۴، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، نشر نی.
۳۲. یوسفی، نریمان، ۱۳۸۳، شکاف بین نسل ها- بررسی نظری و تجربی، نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.

33. Ishaque Fani, Muhammad, determinants of generation gap among parents and children in Multan city, Pakistan (2010). Internatinal Reserrch Journal of Finance

and Economics".(<http://www.eurojournal.com>).